

بقلم : آقای یحیی دیوسالار

از دفتر خاطرات

اتحاد اسلام و پیدایش جنگل

(بقیه از شماره قبل)

میرزا کوچک خان در لاهیجان به د کتر حشمت رسید و در آنجا با د کتر مشورت نمود ، د کتر معتقد بود که لاهیجان را مرکز قیام قرار دهند چه آنکه جنگل دیلمان ورودبار و رانکوه را در دست دارند و بعلاوه بامتحد خود سالارفاتح دیو سالار نزدیک خواهند بود .

میرزا معتقد بود جنگل فومنات و تولمات و طوالش که تا بیله سوار و آستارا وسعت دارد مساعدتر و بهتر میشود کار کرد . بالاخره تصمیم گرفتند جنگل تولمات را مرکز قرار دهند .

شبانه از لاهیجان میرزا کوچک خان و د کتر حشمت و شیخ عبدالسلام و سید محمد خان از مجاهدان اول مشروطه برای رشت حرکت کردند ، در رشت محرمانه چند هفته توقف نموده وعدهای از آزادیخواهان را جمع کرده متحداً برای جنگل تولمات حرکت کردند .

یکی از هم قدمان اولیه میرزا و د کتر در رشت حاج احمد کسائی بود که به علی خود را در ردیف آزادیخواهان قرارداده و نخستین کسی بود که عهد و پیمان خود را با میرزا کوچک خان نقض نمود .

پس از تشکیل نهضت جنگل در کلیه صفحات شمال این ندا بلند شد که عدهای از احرار برای رفع ظلم و جلوگیری از قشون روسیه تزاری بنام اتحاد اسلام در جنگل تولمات قیام نموده اند .

این نداء ضعفا ورنجبران و روشن فکران را به جنگل متصل ساخته موجب ترس و وحشت متنفذین و ملاکین که در تحت لوای دولت تزاری اقتداری بهم زده بودند گردید ناچار بوسیله قونسول روس به دولت مرکزی متوسل شدند که تا جنگل و اتحاد اسلام نضجی نگرفته سر کوب و پراکنده گردند.

قونسول روسیه مقیم رشت با اتفاق قائم مقام الملك رفیع پسر شریعتمدار رشتی و حاجی صمد خان تاجر باشی بحکومت گیلان و دولت مرکزی فشار آوردند تا اتحاد اسلام و اجتماع جنگل را از بین ببرند.

عده زیادی از سربازان روسیه تزاری با قوای متنفذین محلی بجنگل حمله کرده و در نتیجه منجر به شکست روسها و قوای متنفذین گردید.

در همان موقع عده هم که بالغ بر دوست و پنجاه نفر از قزاقهای ایرانی و روسی بود با تجهیزات کامل از طریق تنکابن مأمور سر کوبی و قلع و قمع سالار فاتح در کجور گردیدند.

آن موقع تنکابن و کلارستاق و کجور تحت سلطه و اقتدار سپهسالار خلعتبری میبود که نیروی اعزامی را راهنمایی مینمود.

سالار فاتح با عده قلیل تفنگچی های خود در جنگل کاسگر محله کجور سه کیلومتر ونیم المده آماده جنگ شد.

قزاقها دو شب در المده توقف نموده بدون تعرض برای بارفروش و مشهدسر (بابل و بابل سر فعلی) حرکت کردند.

در تاریخ ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۴ قمری کابینه سپهسالار خلعت بری تشکیل و روز ۳۰ ربیع الثانی بعد از ظهر باحمد شاه معرفی گردید.

ناگفته نماند تشکیل این کابینه در نتیجه فشار روسها جهت امضای معاهده ۱۹۰۷ میلادی و برای برانداختن جمعیت اتحاد اسلام و جنگل بوده است.

سپهسالار خلعتبری مرتضی قلی خان سردار اقتدار فرزند خویش را مأمور کرد که با قوای محلی خود و متنفذین گیلان و طوالش و خلخال جنگل و اتحاد اسلام و بالاخص میرزا کوچک خان را نابود نماید .

سردار اقتدار با طمطراق خاص وارد رشت شد و چون لایق حمله به جنگل نبود به بهانه‌های مختلف چندی در رشت اقامت نمود و سپس بحکم رئیس الوزراء وقت (پدر خود) اردو را تحویل فرج‌الله خان ساعدالممالک داده از مهر که بدر رفت و ساعد الممالک با قشون تحت فرماندهی خود نیز در رشت متوقف شد .

در همان تاریخ برای سرکوبی سالار فاتح، عده‌ای از سربازان بریگادمرکزی بنام اردوی سیار به فرماندهی مظفرخان اعلم (سردار انتصار) در تاریخ ۳ جمادی - الثانی ۱۳۳۴ به کجور و کلارستاق اعزام گردید .

سالار فاتح برای اینکه مبادا با سربازان ایرانی وارد جنگ شود صلاح دید با کلیه متفقین کجوری و کلارستاقی خود دو محل مزبور را تخلیه کرده محرمانه خود را بتهران برساند .

متأسفانه این افراد باستانی خود سالار فاتح کلا در باغ شاه بامر سپهسالار رئیس الوزراء حبس میشوند و جعفرخان و خواجه‌وند برادر کریمخان و نبی‌خان از متحدین سالار فاتح در باغ شاه حسب الامر سپهسار تیرباران میگردند .

اردوی سیار مشغول خلع سلاح در کجور و کلارستاق شدند. مظفرخان اعلم از افسران بسیار با شرف بود و نفرات اردوی او بخلاف اردوی سردار اقتدار که در قسمت شرق گیلان فجایع ناگفتی مرتکب شدند با مردم بسیار خوش رفتاری نمودند .

چنانچه در (یادداشتهای مرحوم دکتر علی اصغر برادر دکتر حشمت در صفحات ۲۰ - ۱۹ - ۱۸ - ۱۷ کتاب دکتر حشمت که در سال ۱۳۲۴ به چاپ رسیده این مطلب مندرج است) .

در همین موقع دو نفر از کسان کریمخان و نبی‌خان بحکم سپهسالار در کجور تیرباران شدند.

باری بعد از دو ماه توقف اردوی سیار در کجور دستور سرکوبی اسمعیل خان امیر مؤید به عهده مظفرخان اعلم فرمانده اردوی سیار صادر شد.

اردوی سیار از کجور برای سوادکوه حرکت کرد و مقارن ورود به لاریجان دستور بازگشت آن به تهران واصل و لذا بتهران معاودت نمود.

کابینه سپهسالار پس از سقوط بغداد و عقب نشینی قشون تزاری از قصر شیرین به کرمانشاهان و همدان سقوط نموده و محبوبسین باغ شاه (کجوریها و کلارستاقیها) آزاد شدند.

سالار فاتح دوباره به کجور معاودت کرده متحدین خود را جمع آوری و ارتباط با جنگل را برقرار نمود.

جنگل پس از شکست مهاجمین قدرت و بسط پیدا کرده لکن قشون روسیه تزاری از بندر انزلی (بندر پهلوی) تا همدان متوقف میبود و همچنین درمازندران هم کم و بیش نفراتی از آنها دیده میشدند.

ناامام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بدخوی در دست خوی بد خود گرفتار است که هر جا رود از چنگ عقوبت او خلاص نیابد. سر مار بدست دشمن بکوب که از احدی -
الحسین خالی نباشد اگر این غالب آمد مار کشتی و اگر آن از دست
دشمن رستی. (سعدی)